

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تعقیبات نماز

### مبحث دعا

در بحث تعقیبات نماز بودیم. به مبحث دعا رسیدیم و جلسه‌ی گذشته مقداری در آن زمینه صحبت کردیم. بحث‌های کلی‌یی درباره‌ی دعا، اهمیت و افضلیت آن بر تلاوت قرآن و نیز خواندن نمازهای مستحبی بعد از نمازهای فریضه و واجب بیان کردیم. امروز بحث را از نمونه‌هایی از دعاهایی که در تعقیبات خوانده می‌شود، آغاز می‌کنیم.

دعاهای بسیار متنوعی برای تعقیبات نمازها نقل شده است. عزیزانی که به کتاب‌های اعمال مستحبی مثل مفاتیح‌الجنان که به سهولت در دسترس همه قرار دارد، مراجعه کرده‌اند، مشاهده نموده‌اند که دعاهای فراوانی نقل شده است؛ چه دعاهایی که به منزله‌ی تعقیبات نمازهای خاصی است؛ مثل دعایی که برای تعقیب نماز ظهر، نماز عصر یا دیگر نمازهای پنجگانه است؛ چه دعاهایی که برای تعقیب هر نمازی قابل بهره‌بردن و خوانده شدن است. من از بین آنها تعداد محدودی را انتخاب کرده‌ام که اشاره کنم و بیشتر از آن را خود عزیزان به کتاب‌ها مراجعه کنند.

چند نمونه از دعاهای پرفضیلت که در تعقیبات خوانده می‌شود

تأکید بر ترک نکردن دعای معرفت در عصر غیبت

یکی از دعاهایی که خصوصاً در دوران غیبت خواندن آن در تعقیبات نمازها بسیار فضیلت دارد و تأکید شده است که در دوران غیبت، بعد از نمازهای واجبتان این دعا را ترک نکنید، دعایی است که همه‌ی شما به خاطر دارید: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ» خدایا! خودت را به

من بشناسان. «فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ» که اگر تو خودت را به من شناسانی، من نمی‌توانم پیامبرت را هم بشناسم. «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ» خدایا! معرفت پیامبرت را نصیب من کن؛ که اگر من پیامبرت را شناسم، به حجت تو هم معرفت پیدا نخواهم کرد. «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتْ عَنْ دِينِي»<sup>۱</sup> خدایا! معرفت حجت خود را روزی من کن؛ که اگر من حجت را شناسم، در دینم به گمراهی دچار شده‌ام.

این سه فراز اصلی دعا است. البته دعاهایی هم در پی و در ادامه‌ی آن وجود دارد؛ مانند: «اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُرْغِ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي»<sup>۲</sup> خدایا مرا به مرگ جاهلیت نمی‌ران و پس از آنکه مرا هدایت نموده‌ای، دلم را به کژی و انحراف مبتلا نساز؛ که من به همین سه فراز نخستین که اشاره کردم، تأکید می‌کنم. امیدوارم این دعا را ترک نکنید. این دعا را که خواندید، قبل یا بعد از خواندن آن، سه‌بار سوره‌ی توحید، سوره‌ی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، را بخوانید و به امام عصر ارواحنفا‌ده هدیه کنید. تأکید می‌کنم عزیزان بعد از نمازهای واجبشان این دعا را ترک نکنند.

### تأکید بر خواندن دعای غریق در عصر غیبت

دعای دیگری که آن هم برای دوران غیبت وارد شده است، دعایی است که غالباً بعد از نمازهای واجب و معمولاً با مقدمات و مؤخراتی خوانده می‌شود؛ منتهی مقدمه و مؤخره را

<sup>۱</sup>. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷ و مجلسی، مرآة‌العقول، ج ۴، ص ۴۰ و فیض‌کاشانی، وافی، ج ۲، ص ۴۰۶.

<sup>۲</sup>. مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۷ و صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۵۱۲ و طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۱، ص ۴۱۲.

دیگران بر آن افزوده‌اند؛ اما متنی که در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است؛ حضرت فرمودند: «سَتُصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِلاَ عِلْمٍ يُرَى وَ لاَ اِمَامٍ هُدَى» شبهه و شرایط مبهم و ابهام‌آلودی برای شما پیش خواهد آمد و شما مبتلای به آن می‌شوید که در آن شرایط نه شاخص و علمی در اختیار شما است که فضا را برای شما روشن کند و بتوانید حقایق را ببینید و تشخیص دهید و نه امامی که شما را راهبری کند و برای هدایت یافتن از او بهره ببرید، دسترسی به هیچ‌یک از اینها ندارید. «و لا يَنْجُو مِنْهَا» و کسی از آن شبهه نجات پیدا نمی‌کند، «الا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ» مگر کسی که با دعای غریق دعا کند. این را امام صادق علیه السلام فرمودند. راوی می‌گوید: «قُلْتُ وَ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ» خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم دعای غرقی که می‌فرمایید اگر کسی در چنان شرایطی بخواند، می‌تواند نجات پیدا کند و الا نه؛ چگونه است؟ «قَالَ يَقُولُ» امام صادق علیه السلام فرمودند: فرد اینگونه دعا می‌کند: «يا الله يا رَحْمَانُ يا رَحِيمُ يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ»<sup>۳</sup> ای خدایی که صاحب همه‌ی صفات کمالیه هستی! ای خدایی که رحمتت واسع است! و ای خدایی که رحمت خاصی بر بندگان مؤمن داری! ای که دگرگونی قلب‌ها به دست تو است! قلب مرا بر دین خودت ثابت بدار (تا دچار تزلزل و انحراف نشوم). حضرت فرمودند: این دعا را ترک نکنید. بنابراین عزیزان این دعا را هم با همین عبارت کوتاه «يا الله يا رَحْمَانُ يا رَحِيمُ يا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ» ترک نکنید. البته عرض کردم قبل و بعد از آن هم عباراتی را اضافه کرده‌اند؛ آنها مانعی ندارد؛ ولی اصل دعا همین عبارت کوتاه است.

<sup>۳</sup> صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۳۵۲ و مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۹ و جزائری، ریاض‌الابرار، ج ۳، ص ۱۳۲.

این هم دومین دعایی که تأکید شده است در عصر غیبت ترک نشود. امیدوارم بعد از نمازهای واجبتان این دعا را هم بخوانید.

اولی دعای معرفت بود، که انسان با آن دعا طلب معرفت می‌کند. اگر ما طالب عرفان و سلوک الی‌الله هستیم و می‌خواهیم به عرفان و معرفت‌الله را پیدا کنیم، راه آن در این دعا ترسیم شده است. دعای دوم هم طلب ثبات در مسیر ایمان و هدایت، به شبهه‌ها دچار نشدن و از مسیر حق نلغزیدن است.

دعایی از امام کاظم علیه السلام که از حق‌های واجب ائمه علیهم السلام بر شیعیان است

دعای سومی که برای بعد از نمازها برای شما عرض می‌کنم، روایتی از امام کاظم علیه السلام است. حضرت فرمودند: «إِنَّ مِنْ وُجُوبِ حَقِّنا عَلَى شِيعَتِنَا» یکی از حق‌های واجبی که ما ائمه بر شیعیانمان داریم، «أَنْ لَا يَثْنُوا أَرْجُلَهُمْ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ أَوْ يَقُولُوا» این است که وقتی نماز واجبشان را خواندند، پاهایشان را (از حالتی که تشهد نماز را خواندند و سلام دادند) تغییر حالت ندهند و در همان حالت این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ بِرِكَ الْقَدِيمِ» خدایا! تو را به نیکویی کردن‌ها و خوبی‌های درازمدت، قدیم و همیشگی تو سوگند می‌دهم؛ «وَ رَأْفَتِكَ بِرَبِّتِكَ اللّٰطِيفَةِ» و به رأفت سرشار از لطفی که به مخلوقات خود داری قسم می‌دهم؛ «وَ شَفَقَتِكَ بِصَنَعَتِكَ الْمُحْكَمَةِ» و به شفقت، لطف و مهربانی پایدار و مستحکمی که به ساخته‌های دست خود و آفریده‌هایت داری، قسمت می‌دهم؛ «وَ قُدْرَتِكَ بِسُتْرِكَ الْجَمِيلِ» و قسمت می‌دهم به قدرت خودت؛ که با آن قدرت به زیبایی عیوب خلق را پوشانده‌ای و نگذاشته‌ای برملا شود؛ «وَ عِلْمِكَ» و تو را به علم، آگاهی و دانایی‌یی که داری سوگند می‌دهم؛ برای چه این

همه تو را سوگند می‌دهم؟ «صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» درود بفرست بر پیامبر اکرم ﷺ و خاندان بزرگوارشان ﷺ. «وَ أَخِي قُلُوبِنَا بِذِكْرِكَ» و دل مرده‌ی ما را با یادت خودت زنده کن. «وَ اجْعَلْ ذُنُوبِنَا مَغْفُورَةً» و گناهان ما را مورد مغفرت و بخشش و بخشیده شده قرار بده. «وَ غُيُوبِنَا مَسْتُورَةً» عیب‌ها و زشتی‌های ما را هم پوشیده قرار بده و با ستر خودت بپوشان. «وَ فَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً» و واجبات ما را مورد قبول و سپاس خودت قرار بده. «وَ نَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً» و اعمال مستحبی که انجام می‌دهیم را نیک و خوب قرار بده. «وَ قُلُوبِنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً» دل‌های ما را با یاد خودت آباد قرار بده «وَ نُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً» و روح و روان ما را با اطاعت خودت سرشار از مسرت و شادمانی بگردان. (هریک از این فرازها توضیحات زیادی دارد؛ ولی چون فرصت نمی‌کنیم، به ترجمه بسنده می‌کنم. خود شما فکر کنید که طاعت چگونه می‌تواند سبب شادی روح شود و به انسان شادابی روانی بدهد!) «وَ عَقُولَنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً» و خدایا! عقل‌ها و اندیشه‌های ما را در مسیر توحید وادار؛ تا فکر و اندیشه‌ی ما از مسیر توحید منحرف نشود. «وَ اَزْوَاحَنَا عَلَى دِينِكَ مَقْطُورَةً» و روح‌های ما را بر دین خودت مغطور و تثبیت شده قرار بده. «وَ جَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً» و اعضای پیکر ما را وادار به خدمت خودت کن و در این مسیر موفق بدار. «وَ اَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً» و اسم‌های ما را در بین بندگان خاص خودت مشهور و شناخته شده قرار بده. «وَ حَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً» و نیازهای ما را در نزد خودت به آسانی و به سهولت برآمده قرار بده. «وَ اَزْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً» و روزی‌های ما را از گنجینه‌ها و خزاین خودت جاری قرار بده. «اَنْتَ اللهُ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ»؛ خدایا! تو خدایی هستی که جز او معبودی وجود ندارد. «لَقَدْ فَازَ مَنْ وَاَلَكَ» آن کس که ولایت تو را پذیرفت و سر به ولایت تو سپرد، فائز و رستگار شد. «وَ سَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ»

هرکس اهل مناجات تو شد، به سعادت دست پیدا کرد. «وَعَزَّزَ مَنْ نَادَكَ» و هرکس تو را ندا کرد و صدا زد، به عزت راه پیدا کرد. «وَوَظَّفَرَ مَنْ نَاجَاكَ» و هرکس به مناجات تو پرداخت، به ظفر و پیروزی دست پیدا کرد. «وَوَغْنَمَ مَنْ قَصَدَكَ» و هرکس مقصود و هدف او تو بودی و در پی تو بود، غنیمت به دست آورد و دستاورد بسیار ارزشمندی نصیبش شد. «وَوَ رِيحَ مَنْ تَاجَرَكَ» و هرکس با تو تجارت و دادوستد کرد، به سود بزرگی دست پیدا کرد. «وَوَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ و تو بر هر چیز توانایی. «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»؛ خدایا! بر پیامبر ﷺ و خاندانشان ﷺ درود بفرست. «وَاسْمِعْ دُعَائِي كَمَا تَعْلَمُ فَقَرِي إِلَيْكَ»؛ و همان گونه که به فقر و نیاز من به خودت آگاهی، دعای مرا گوش بده. «إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛<sup>۴</sup> هرآینه تو بر هر چیز توانایی.

امام کاظم ﷺ فرمودند: از حق‌های واجبی که ما ائمه بر شیعیانمان داریم، این است که بعد از نمازهای واجبشان پایشان را جابه‌جا نکنند، مگر اینکه این دعا را بخوانند.

#### فرازهایی از دعای امام جواد ﷺ

برای بعد از نمازها دعاهای فراوانی است. یکی از آنها دعای نسبتاً طولانی‌یی از امام جواد ﷺ است. من فقط چند فراز از اواسط این دعا را از کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق رحمته الله برایتان بیان می‌کنم.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حَشِيَّتَكَ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ» خدایا! من از تو ترس از تو را در مخفیگاه‌ها و در شرایطی که در معرض دید دیگران قرار دارم؛ چه جایی که تنها هستم و مخفی و محلاً

<sup>۴</sup> محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۷۳ و کفعمی، البلد الامین، ص ۱۳ و در مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۵۳ و احمدی میانجی،

مکاتیب‌الائمه، ج ۴، ص ۴۵۱.

سرّ است و چه جایی که محلّ علن و آشکار است، درخواست می‌کنم. از تو می‌خواهم در هر دو جا خداترسی داشته باشم. «و كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضَا» و اینکه حق‌گو باشم؛ هم هنگامی که به خشم آمدم، سخنی غیرحقّ نگویم؛ هم جایی که به خشنودی دست پیدا کردم و در حالت خرسندی و خوشحالی بودم، سخن غیرحقّ نگویم و کلامم حقّ باشد. «وَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَ الْغِنَى»؛ و چه در شرایط تنگدستی و چه در شرایط ثروت، غنا و بی‌نیازی، میانه‌رو بودن را از تو درخواست می‌کنم. «وَ أَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْقُذُ» از تو نعمتی می‌خواهم که فناپذیر نیست. همان‌طور که می‌دانید، چون کلّ دنیا فانی است، همه‌ی نعمت‌های دنیوی هم فناپذیر است. من از تو نعمت جاودان را درخواست می‌کنم. «وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ» و روشنی چشمی از تو می‌خواهم که منقطع نباشد؛ همیشگی و مستمر باشد و چشمم به آن عطای تو روشن باشد. «وَ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ» و از تو درخواست می‌کنم نسبت‌به مقدراتی که برای من رقم می‌زنی، خرسند، راضی و خشنود باشم. «وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ» و خنکی زندگی بعد از مرگ را از تو درخواست می‌کنم. «وَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ» و لذّت نگاه به وجه تو را از تو درخواست می‌کنم. قرآن در مورد مؤمنین فرمود: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ؛ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»؛<sup>۵</sup> این لذّت را از تو می‌خواهم. لذّت دیدار تو و نظر به وجه تو را از تو می‌خواهم. «وَ شَوْقًا إِلَىٰ لِقَائِكَ»<sup>۶</sup> و از تو درخواست می‌کنم اشتیاق دیدار خودت را در قلب من قرار دهی، که من ملتهب و مشتاق دیدار تو باشم. اینها فرازهایی از آن دعا است.

<sup>۵</sup> سوره‌ی قیامت، آیه‌های ۲۲ و ۲۳.

<sup>۶</sup> صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۴۸ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۸۵.

## دعایی از پیغمبر اکرم ﷺ برای بعد از نمازها

همچنین از دعاهای بسیار ارزشمند برای بعد از نمازها، دعایی است که از پیغمبر اکرم ﷺ روایت شده است. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» خدایا! من به تو پناه می‌برم از علم و دانشی که نفع و سودی نبخشد. علم و دانش ممکن است زیان‌بخش و یا بی‌خاصیت باشد. من پناه می‌برم به تو از علم و دانشی که سودمند واقع نشود؛ نه به خودم سودی ببخشد و نه به خلائق سودی برساند. از چنین علمی به تو پناه می‌برم. گاهی انسان از جهل به خدا پناه می‌برد؛ اما اینجا افق دعاکننده بلندتر است؛ از علم به خدا پناه می‌برد؛ از علمی که سودمند نیست. اینکه علم غیرسودمند چیست، بحث بسیار مفصلی است. اگر زمانی خواستیم راجع به علم صحبت کنیم؛ آن را باز می‌کنم، می‌بینید چقدر شقوق متنوع و مهمی دارد. «وَقَلْبٍ لَا يَجْشَعُ» و خدایا! از قلبی که خشوع در آن نیست، به تو پناه می‌برم. «وَوَيْسٍ لَا تَشْجَعُ» و از نفس و روانی هم که سیری‌ناپذیر است و اهل قناعت نیست، به تو پناه می‌برم. «وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ» و از دعایی که مورد شنیدن قرار نمی‌گیرد، تو به آن گوش نمی‌دهی و آن را اجابت نمی‌کنی، به تو پناه می‌برم. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلَاءِ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۷</sup> خدایا! من از این چهار چیز به تو پناه می‌برم.

غالباً با این دعاها آشنا هستید و الحمدلله موفق هستید و بعد از نمازهای واجب‌تان می‌خوانید.

<sup>۷</sup> مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۶۹ و کراچی، کنزالفوائد، ج ۱، ص ۳۸۵.

## دعایی از امیرالمؤمنین علیه السلام

این دعای بسیار زیبا هم برای تعقیبات نماز از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: «الهی هذه صلاتي صليتُها لا لِحاجةٍ مِنْكَ إِلَيْها وَ لا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيها»؛ خدایا! این نمازی بود که من خواندم؛ اما تو به این نماز نیاز و رغبتی نداشتی، که بگویم با آن نیازت را تأمین کردم یا آرزویت را برآورده نمودم. من خودم محتاج بودم و این نماز برطرف کننده‌ی نیاز من و پاسخگوی رغبت من است. این نماز را به منزله‌ی کاری برآورنده‌ی نیازی از تو یا تأمین کننده‌ی آرزو و میلی برای تو به جا نیاوردم و نخواندم. «إِلَّا تَعْظِيماً وَ طاعةً وَ إِجابةً لَكَ إِلَي ما أَمَرْتَنِي بِهِ» جز این نبود که من این نماز را برای بزرگداشت تو، فرمانبری و اطاعت از تو و اجابت و لبیک گفتن به آنچه به من امر کردی، خواندم. «الهی إِنْ كانَ فِيها خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُكُوعِها أَوْ سُجُودِها فَلَا تُؤاخِذْني» خدایا! اگر در نمازی که خواندم، نقص، خلل و کاستی‌یی و در رکوع‌ها و سجده‌هایش عیب و نقصی بود، مرا به خاطر آن مورد مؤاخذه قرار نده. «وَ تَفَضَّلْ عَلَي بِالْقَبُولِ وَ العُفْرِانِ»<sup>۱</sup> و با پذیرفتن همین نماز دست‌وپا شکسته‌ای که خواندم و با بخششی که در طی این نماز شامل حال من می‌کنی و با بخشیدن نقص‌ها، کاستی‌ها و ضعف‌هایی که در نمازم بود، به من تفضل کن.

همان‌طور که عرض کردم باید در بین دعا‌های بسیار متنوعی که وجود دارد، انتخاب کرد.

<sup>۱</sup> مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۳۸ و زادالمعاد، ص ۳۸۵ و سماه‌جی، الصحيفة العلویة، ص ۳۶۶ و کفعمی، المصباح، ج ۱، ص ۲۰.

## دعای دیگری از پیامبر ﷺ برای تعقیبات

از پیغمبر اکرم ﷺ روایت شده است که فرمودند: هرکس می‌خواهد روز قیامت خدای متعال او را به اعمال زشت خودش مطلع نکند؛ یعنی به رخ او نکشد و به‌روی او نیاورد که تو در دنیا چه‌ها کردی و اصلاً نامه‌ی گناهان او را باز نکند؛ بعد از نمازهایش این دعا را بخواند؛ (که همه به خواندن آن موقفید): «اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْحَى مِنْ عَمَلِي» خدایا! مغفرت و بخشش تو بیش از اعمال من مایه‌ی امید است. من به نماز، روزه، طاعت و عبادتم امید نبسته‌ام؛ بلکه به مغفرت تو امید بسته‌ام. مغفرت تو امیدبستنی‌تر است؛ تا اعمال ناقصی که خودم انجام داده‌ام. «وَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي» و خدایا! وسعت و گستره‌ی رحمت تو هم از گناهان من بسیار بیشتر است. رحمت تو از گناهان من بسیار بزرگتر است. «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذُنُوبِي» خدایا! اگر گناهان من نزد تو بسیار عظیم و بزرگ است؛ اما یقین دارم که عفو تو از گناهان بزرگ من هم، عظیم‌تر و بزرگتر است. «اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ تَرْحَمَنِي» خدایا! اگر من سزاوار و شایسته نیستم و لیاقت ندارم که مشمول رحمت تو قرار گیرم، «فَرَحْمَتِكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلَغَنِي وَتَسَعَنِي» اما رحمت تو سزاوار است و زبنده‌ی رحمت تو است که هر آلوده‌ای را مورد عنایت قرار دهد و مرا هم مشمول خود قرار دهد و به من برسد و مرا هم دربرگیرد. «لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» به خاطر اینکه رحمت، مهربانی، لطف و عنایت تو، همه‌چیز را زیر پوشش خود گرفته است «بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۹</sup> به حق رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان.

<sup>۹</sup> مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۳۷ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۸۴ و کفعمی، مصباح، ص ۲۰ و محدث قمی، مفاتیح‌الجنان،

تعقیبات مشترکه.

## دعای شبیهی هذلی

هرکس باید نگاه کند ببیند حالش چیست و از بین این همه دعا‌های متنوع، متناسب با حال خود دعا یا دعا‌هایی را برای تعقیبات نمازهایش انتخاب کند. برای کسانی مثل بنده که سنین عمر را طی کرده و عمرشان رو به پایان است، دعا‌هایی وجود دارد که خیلی مناسب است. این روایت را ببینید، جالب است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «**أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُقَالُ لَهُ شَيْبَةُ الْهُذَلِيِّ**» مردی خدمت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

آمد که به او گفته می‌شد شبیه‌الهُذَلِيِّ. نامش این بود. «**فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي شَيْخٌ قَدْ كَبُرْتُ**

**سِنِي**» به پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! من پیرمردی هستم که سنم

خیلی بالا رفته است. «**وَ ضَعُفَتْ قُوَّتِي عَنْ عَمَلٍ كُنْتُ عَوْدَتُهُ نَفْسِي مِنْ صَلَاةٍ وَ صِيَامٍ وَ حَجٍّ وَ جِهَادٍ**» در

جوانی خودم را به نمازهایی، روزه‌هایی، حج رفتن‌های مکرر و به شرکت در جهاد عادت

داده بودم؛ اما الآن پیر و فرتوت شده‌ام و توانایم را از دست داده‌ام. «**فَعَلَّمَنِي يَا رَسُولَ**

**اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَلَامًا يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ وَ خَفَّفَ عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**» یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! کلام و دعایی

به من یاد دهید که برای من سودمند باشد و چیز سبکی هم برای من مقرر کنید. چیز

سنگین، طولانی و سختی که متناسب با ضعف من نباشد، نفرمایید. «**فَقَالَ أَعِدْهَا**»

پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: همین حرفی را که زدی، این حالت شکستگی و عجزی که

داری، که می‌گویی من پیر شده‌ام و توانایی بر اعمالی را که در جوانی موفق بوده‌ام و

انجام می‌دادم، از دست داده‌ام؛ این حرف را تکرار کن. «**فَأَعَادَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ**» پیرمرد سه بار

آن را برای پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تکرار کرد. «**فَقَالَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَوْلَكَ شَجَرَةٌ وَ لَا مَدْرَةٌ إِلَّا وَ قَدْ**

**بَكَتْ مِنْ رَحْمَتِكَ**» پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هیچ درخت و هیچ سنگ و کلوخی در اطراف

تو نبود، مگر اینکه با این حرفی که زدی، همه از سر دلسوزی و مهری که به تو داشتند، بر تو گریستند. همه به حال تو گریه کردند که اینطور اظهار عجز می کنی. بعد حضرت به او دستور دادند: «فَإِذَا صَلَّى الصُّبْحَ» هر وقت نماز صبحت را خواندی؛ «فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ» ده مرتبه این جمله را بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» منزّه است خدای عظیم و من حمد او را به جا می آورم و هیچ نیرو و توانی جز از جانب خدای علیّ و عظیم نیست. حضرت فرمودند: «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعَافِيكَ بِذَلِكَ مِنَ الْعَمَى وَ الْجُنُونِ وَ الْجَذَامِ وَ الْفَقْرِ وَ الْهَرَمِ» اگر این کار را بکنی، هر روز صبح بعد از نماز صبحت ده بار این جمله را تکرار کنی، خدای متعال به تو سلامت می بخشد و تو را از ابتلای به کوری، اختلالات فکری و روانی، جذام، فقر و ابتلای به شکستگی های در نتیجه ی پیری، در سلامت می دارد و حفظ می کند. «فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا لِلدُّنْيَا فَمَا لِلْآخِرَةِ» پیرمرد عرض کرد یا رسول الله ﷺ! خیلی ممنون. این را که فرمودید، چشم؛ انجام می دهم؛ منتهی این به درد دنیا می خورد که مثلاً کور نشوم؛ آلزایمر نگیرم؛ جنون پیدا نکنم؛ فقیر نشوم؛ یا شکسته و زمین گیر نشوم؛ اما برای آخرت چه؟ «فَقَالَ تَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ» پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: به دنبال و در پی هر نمازت این جمله را بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ» خدایا! از جانب خودت مرا هدایت کن و راهبری مرا خودت عهده دار شو. «وَ أَفْضُ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ» و از فضل خود بر من افاضه کن. «وَ أَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ» و رحمتت را بر من بگستران. «وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ» و از برکات خود بر من فرو فرست. برای آخرت این جمله را بگو. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ» امام باقر علیه السلام فرمودند: «فَقَبِضْ عَلَيْهِمْ بِيَدِهِ ثُمَّ مَضَى» پیغمبر ﷺ که این دستورالعمل ها را می فرمودند، شبیهی هذلی آنها را با انگشتانش می شمرد و به خاطر می سپرد که حضرت چه به او یاد

داده‌اند؛ سپس از محضر پیغمبر ﷺ رفت. «فَقَالَ رَجُلٌ لِابْنِ عَبَّاسٍ مَا أَشَدَّ مَا قَبِضَ عَلَيْهَا خَالِكَ»  
 ظاهراً ابن عباس هم در آن محل، در حضور پیغمبر ﷺ، بوده است. شخصی که از  
 حاضرین در مجلس بود، به ابن عباس گفت: این دایی تو چقدر دقیق جملات  
 پیغمبر ﷺ را ثبت می‌کرد، یاد می‌گرفت و به‌خاطر می‌سپرد. «فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ»  
 پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَمَا إِنَّهُ إِنْ وَافَى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَمْ يَدَعَهَا مُتَعَمِّدًا فُتِحَتْ لَهُ ثَابِتُهُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ  
 يَدْخُلُهَا مِنْ أَمَّا شَاءَ»<sup>۱۰</sup> اگر این پیرمرد همین دستوری را که به او دادم، مراعات کند و بعد از  
 نمازهایش عمداً ترک نکند؛ این چهار جمله را «اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ»، «وَأَفْضَ عَلَيَّ مِنْ  
 فَضْلِكَ»، «وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ»، «وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ» اگر آن را عمداً ترک نکند؛ (اگر  
 فراموش کرد مانعی ندارد؛ ولی عمداً ترک نکند) روز قیامت هشت در بهشت به روی او  
 گشوده می‌شود (چون بهشت هشت در دارد) و از هر یک از درها که بخواهد، وارد بهشت  
 می‌شود. این دعا برای پیرمردهایی مثل بنده و کسی که احساس می‌کند توان عبادت‌های  
 فوق‌العاده‌ی آیام جوانی را از دست داده، تعقیب مناسبی است.

#### دعایی از حضرت خضر علیہ السلام

دعای دیگری را هم عرض کنم. تعبیر روایت این است: «ارْفَعْ يَدَيْكَ عِنْدَ الدُّعَاءِ وَ قُلْ»  
 هنگامی که می‌خواهی دعا بخوانی؛ یعنی وقتی نمازت را خواندی و بعد از نماز می‌خواهی  
 دعا بخوانی؛ دست‌هایت را به‌سوی آسمان بلند کن و این عبارات را بگو (این دعا معروف

<sup>۱۰</sup> مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۱۹ و طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۷ محدث قمی مفاتیح‌الجنان، دعای شبیه‌ی هذلی

به دعایی است که از حضرت خضر علیه السلام روایت شده است. متن آن کمی طولانی است. خودم از این دعا خیلی لذت می‌برم. چون حال امثال مرا خوب بازگو می‌کند.

«إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنِبُ يَدَيْهِ لِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ» خدایا! این بنده‌ی خطاکار و گناه‌کار به خاطر حسن ظنّی که به تو دارد، دست‌هایش را به سوی تو بلند کرده است. «إِلَهِي قَدْ جَلَسَ الْمُسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقَرَّراً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ» خدایا! این بنده‌ی بدکار و خطاکار در محضر و پیشگاه تو نشسته است، درحالی که به کارهای زشت و بدی که مرتکب شده، اقرار می‌کند. «وَ رَاجِئاً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِهِ» و امید بسته است به اینکه تو از لغزش‌ها و خطاهای او چشم‌پوشی کنی. «إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمَ كَفَّيْهِ» خدایا! این بنده‌ی ستمکار، که هم به خلق ستم کرده است، هم به خودش، کف دست‌های خود را به سوی تو بالا آورده است. «رَاجِئاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ» امید بسته به چیزی که در پیش تو است. «فَلَا تُخَيِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ» پس از سر فضل خودت او را ناامید نکن. این بنده به رحمت تو امید بسته است؛ او را ناامید نکن. «إِلَهِي قَدْ جَاءَ الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِفاً مِنْ يَوْمٍ يَجْتَوِي فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ» خدایا! این بنده‌ای که پی‌درپی و دائم به سوی گناه بازگشته؛ مدام توبه کرده و دوباره مرتکب گناه شده است، به پیشگاه تو آمده، زانو زده و از روزی که در آن روز (روز قیامت) بندگان در پیشگاه تو زانو می‌زنند، ترسان است. «إِلَهِي قَدْ جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاً مُشْفِقاً وَ رَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً رَاجِئاً وَ فَاصِثَ عِبْرَتَهُ مُسْتَغْفِراً نَادِماً» خدایا! این بنده‌ی خطاکار درحالی که ترسان و لرزان است، پیش تو آمده، چشم‌هایش را بالا آورده و با ترس و امید نگاه به تو دوخته است؛ هم ترسان و نگران است که اگر قرار باشد کیفر بدی‌ها، خطاکاری‌ها و گناهانش را بدهی، چه خواهد شد؛ و هم به رحمت، فضل و عنایت تو امید بسته است؛ با چنین حالی دیدگانش را بالا

آورده است و اشک‌های او از چشمش می‌جوشد؛ درحالی که نسبت به آنچه کرده، مستغفر و نادم است؛ طلب مغفرت و بخشش دارد و سرشار از پشیمانی است. بنده‌ی تو با این حال به پیشگاه تو آمده است. «وَعِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِنَظَرِكَ مُسْتَحْفٍ» خدایا! قسم به عزت، جلال و شکوه تو! که وقتی معصیت می‌کردم، قصد مخالفت و سرکشی در برابر تو را نداشتم. هنگامی که مرتکب معصیت می‌شدم، شرایطم به‌گونه‌ای نبود که تو را شناسم یا با حالی گناه نکردم که جسارت به‌خرج دهم، متعرض عقوبت تو شوم و بگویم از عقوبت و کیفر تو نمی‌ترسم، و درحالی گناه نکردم که این را که تو هنگام گناه، مرا می‌بینی؛ چیز کمی شمرده باشم. خدایا! من این‌گونه گناه نکردم. «وَ لَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ أَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شِفْوَتِي وَ عَزَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ» خدایا! آنچه مرا مبتلا به گناه کرد، فریبی بود که نفس من داد؛ عمل را برای من آراست، توجیه کرد و مرا گول زد. بدبختی من هم به مدد آن آمد برای اینکه مرا به گناه مبتلا کند و پرده‌پوشی تو هم سبب شد که من از گناه ترس نداشته باشم. خدایا! اینها سبب شد که من گناه کنم و الا من در مقام این نبودم که تو را انکار کنم و شناسم؛ یا اینکه دلیری و جسارت به‌خرج دهم و بگویم از عقوبت تو نمی‌ترسم. «فَمَنْ الْآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي» خدایا! اکنون در این حال، بنده‌ای که زانو زده است، دست‌ها را بالا آورده؛ چشم به سوی تو دوخته؛ با حالت استغفار و ندامت اشک‌هایش جاری است؛ خدایا! این بنده را که خود را این‌گونه آلوده‌ی به گناهان کرده است؛ چه کسی از عذاب تو نجات خواهد داد؟ «وَ بِجَبَلٍ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَلَيَّ» خدایا! اگر تو ریسمان خودت را قطع کنی و از دسترس من خارج نمایی و امید مرا به خودت ناامید کنی، به ریسمان چه کسی

چنگ بزنم؟ «فَيَا سَوَاتَاهُ عَدَاً مِّنَ الْوُقُوفِ يَبْنَ يَدَيْكَ» خدایا! ای وای بر من! چه زشت است که فردای قیامت با این کارنامه‌ی سرشار از آلودگی در پیش تو حاضر شوم! «إِذَا قِيلَ لِلْمُخْفِينَ جُوزُوا وَ لِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا» در آن هنگام که به کسانی که از گناهان سبک‌بارند، گفته می‌شود عبور کنید و به کسانی که از گناهان سنگین‌بارند، می‌گویند فرود بیایید و همین‌جا بمانید و به آنها اجازه‌ی عبور نمی‌دهند. «فَمَعَ الْمُخْفِينَ أَجُوزُ أَمْ مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحَطُّ» خدایا! من نمی‌دانم فردای قیامت همراه با سبک‌باران جواز عبور پیدا می‌کنم، یا همراه با سنگین‌باران از گناه مجبور به فرود آمدن خواهیم شد. «وَيَلِي كَلِمًا كَبْرًا سِنِّي كَبْرًا ذُنُوبِي» وای بر من! هرچه سن من بالاتر می‌آید و بیشتر می‌شود، گناهان من بیشتر می‌گردد. «وَيَلِي كَلِمًا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي» وای بر من! هرچه عمر من طولانی‌تر می‌شود، معاصی و گناهان من بیشتر می‌گردد. «فَكَمْ أَتُوبُ وَ كَمْ أَعُودُ» خدایا! تا چه زمانی توبه کنم و دوباره به گناه برگردم؟ از دست خودم خسته شده‌ام. خدایا! چقدر دائم توبه کنم و دوباره به گناهان برگردم؟ «مَا أَنْ لِي أَنْ أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي»؛ آیا وقت آن نشده است که از پروردگارم حیا کنم؟ «اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ» ای خدای من! به حق پیامبر و خاندانش ﷺ مرا ببخش و به من رحم کن. ای مهربان‌ترین مهربانان و ای بهترین بخشنده‌گان!

بعد از این دعا به سجده می‌رود و می‌گوید: «إِرْحَمْ مِنْ أَسَاءٍ وَ اعْتَرَفَ [وَ اعْتَرَفَ] وَ اسْتَكَانَ وَ اقْتَرَفَ [وَ اعْتَرَفَ]» خدایا! رحم کن بر کسی که بدی کرده است و اکنون با پای خودش نزد تو آمده و به مجرمیت خود اعتراف می‌کند؛ به کسی که بیچاره گردیده و مرتکب اعمال زشت و بدی شده است. سپس سر را از سجده برمی‌دارد و گونه‌ی راست خود را بر مهر یا بر زمین

می‌گذارد و عرضه می‌دارد: «إِنْ كُنْتُ بِئْسَ الْعَبْدُ فَأَنْتَ نِعْمَ الرَّبُّ» خدایا! اگر من بد بنده‌ای هستم؛ اما تو خوب خدایی هستی. بعد گونه‌ی چپش را بر خاک می‌نهد و می‌گوید: «عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ يَا كَرِيمٌ» ای خدای کریم! گناه از بنده‌ی تو بسیار عظیم و بزرگ شد؛ اما عفو از جانب تو بسیار پسندیده، نیکو و زیبنده‌ی توست. تو به آنچه که اقتضای خودت است و زیبنده‌ی توست، یعنی بخشش، عمل کن؛ به بزرگی گناه من نگاه نکن. بعد گونه‌ی چپ خود را از خاک برمی‌دارد؛ دوباره پیشانی به سجده می‌گذارد و صد مرتبه می‌گوید: «الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ»<sup>۱۱</sup> و از خدا طلب بخشش و عفو می‌کند.

همان‌طور که عرض کردم در مقام تعقیبات، دعاها بسیار متنوع‌اند و هرکس باید حال خودش را ببیند؛ ببیند چه حالی دارد و به اقتضای حال خودش دعایی را برگزیند و از آن دعا در تعقیبات نمازهایش بهره ببرد.

### آیا اجازه‌ی دخل و تصرف در دعاهای مأثور را داریم؟

در همین هفته سؤالی برای سایت اهل ولاء آمده بود؛ عزیزی پرسیده بود که آیا ما اجازه داریم در دعاهای مأثور مثلاً فعل مفرد را به جمع تبدیل کنیم؛ یا حاضر را غایب نماییم و یا چیزهایی به آنها اضافه کنیم؟ به آن دوست به شکل مکتوب پاسخ دادم؛ خدمت شما هم عرض می‌کنم. درباره‌ی دعای غریق روایت است که وقتی حضرت آن دعا را به کسی آموختند و فرمودند بگو: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»؛ آن شخص هنگام تکرار گفت: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». حضرت او را نهی کردند و فرمودند: خدا «مُقَلَّبَ الْأَبْصَارِ» هم هست؛ همان‌طور که «مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ»

<sup>۱۱</sup> مجلسی، زاد المعاد، ص ۵۰۳ و شهیداول، المزار، ص ۲۶۲ و مجلسی، بحار، ج ۹۷، ص ۴۴۴ و ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۱۴۲.

است؛ اما همان گونه که من گفتم، بگو؛ یعنی بگو: «یا الله یا رَحْمَانُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ».<sup>۱۲</sup>

دعاهایی که در آن دخل و تصرف می‌شود، از حالت ناب درمی‌آید. نمی‌خواهم وارد این بحث شوم که دقت در تعبیر دعاهای مأثور در اوج است. به خاطر معرفت فوق‌العاده‌ای که اهل بیت علیهم‌السلام داشتند؛ هیچ نکته‌ی اضافی یا کسری ندارد و دعاها به زیباترین، مؤدبانه‌ترین، جامع‌ترین و لطیف‌ترین صورت بیان شده است. لذا هم به این لحاظ به استجاب نزدیک‌تر است و هم به این لحاظ که کلام محبوب‌های خداست و به زبان آنها جاری شده است و چون خدا آنها را دوست می‌داشته، سخن آنها را هم دوست می‌دارد. بنابراین وقتی با ادبیاتی که بنده‌های محبوب خدا با آن ادبیات با خدا سخن گفته‌اند، با خدا حرف می‌زنیم، خدا آن نحوه حرف زدن را بیشتر دوست دارد و بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد.

به دعاهایی که در آن دخل و تصرف می‌شود، دعای "ملحون" می‌گویند و از این کار نهی شده است<sup>۱۳</sup>؛ البته اگر مقدم و مؤخر دعاهای مأثور دعاهای دیگری هم خوانده شود، عیب ندارد؛ مثل همین دعای «یا الله یا رَحْمَانُ یا رَحِيمُ یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّثْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ» که معمولاً در تعقیبات نمازها، مقدماتی برای آن نقل می‌کنند. مانند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ ...» و ده‌بار نام خدا را می‌برند. بعد دعای غریق را می‌خوانند؛ و پس از آن هم

---

<sup>۱۲</sup>. مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۱۴۸ و صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۱ و طبرسی، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی، ج ۲، ص ۲۳۸.

<sup>۱۳</sup>. ابن‌فهدحلی، عده‌الداعی و نجاح‌الساعی، ص ۲۳، ۲۶ و ۳۴۱ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۲۲۱ و ج ۷، ص ۵۶.

دعاهای دیگری می‌خوانند. دعاها یا اذکاری که قبل یا بعد از دعای مأثور خوانده می‌شود، مانعی ندارد؛ اما داخل متن دعا، نه چیزی اضافه کنیم؛ نه چیزی کسر نماییم و نه تغییری دهیم.

آیا می‌توان فرازهایی از دعا را تکرار کرد؟

یکی از حاضران می‌پرسند: استاد تکرار چطور؟

استاد: تکرار مانعی ندارد؛ یعنی فرد همان دعا را تکرار می‌کند.

سؤال کننده: نه؛ استاد! مثلاً در دعای توسل یا زیارت عاشورا قسمتی از دعا را تکرار می‌کنند.

استاد: نه؛ آن هم توصیه نشده است. اتفاقاً حضرت عالی نکته‌ی خوبی را اشاره کردید. در

خواندن دعاها دیده‌اید مثلاً هنگامی که دعای ندبه، زیارت عاشورا یا دعای کمیل و امثال

اینها را می‌خوانند؛ عزیزانی که مدّاح و ذاکرند و یا دیگر افرادی که دعا را می‌خوانند، چند

جا بین زیارت عاشورا می‌ایستند؛ روضه می‌خوانند؛ ذکر مصیبت می‌کنند و مطالبی را

می‌گویند؛ یا بخشی از فرازهای دعاها را چندبار تکرار می‌کنند؛ مثلاً در دعای کمیل به «یا

غِيَاثَ الْمُسْتَفِیْثِیْنَ» که می‌رسند، چندبار تکرار می‌کنند و امثال اینها. بهتر است این کار

نشود و به همان شکل که اهل بیت علیهم‌السلام گفته‌اند، خوانده شود. می‌خواهیم روضه بخوانیم،

قبل یا بعد از زیارت عاشورا بخوانیم؛ وسط زیارت عاشورا چیزی اضافه نکنیم. اگر لازم بود

بین این دعا ذکری چندبار تکرار شود، خود اهل بیت علیهم‌السلام آن را توجّه می‌دادند. خودشان

تکرار می‌کردند؛ به ما هم یاد می‌دادند که تکرار کنیم. کما اینکه در بعضی از ادعیه

می‌بینید که گفته شده است این فراز را تکرار کن؛ مثل دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، که وقتی

به «یارب» می‌رسید، می‌گویید تا جایی که نفست اجازه می‌دهد، این فراز را تکرار کن: «یارب؛ یارب؛ یارب؛ ...». جایی که لازم بوده است تکرار شود، خود اهل بیت علیهم‌السلام توجه داده‌اند؛ بنابراین هرگونه اعمال سلیقه در متون ادعیه و زیارات، آن را از ناب بودن و کامل بودن درمی‌آورد و نقصی بر آن وارد می‌کند. حتی المقدور به همان ادبی که اهل بیت علیهم‌السلام به ما آموخته‌اند؛ مؤدّب باشیم. اگر مطلب دیگری داریم، قبل و بعد از دعا مطرح کنیم و تا جایی که ممکن است داخل متن دعا اعمال سلیقه نکنیم.

#### دعا و رویکرد حاجت‌طلبانه

عزیزی به من توجه دادند که شما گفتید انسان اهل معرفت دنبال حاجت طلبیدن نیست، چه در رابطه با مصائب آل الله علیهم‌السلام که در هفته‌های نخستین ماه محرم الحرام صحبت کردیم و گفتیم که رویکرد حاجت‌طلبانه، رویکرد بسیار کوتاهی است. دوست اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا می‌رود و به کربلا می‌پردازد برای دادن و تقدیم آنچه دارد و نثار کردن آنچه خدا به او عطا کرده است، در راه اهل بیت علیهم‌السلام؛ نه برای گرفتن و بدست آوردن. اشاره کردیم که لشکریان عمر سعد بودند که آمدند از کربلا چیز به دست آورند و ببرند. یاران اباعبدالله علیهم‌السلام آمدند هرچه را دارند، بدهند؛ به پای امام حسین علیهم‌السلام بریزند و همه‌ی آنها را در راه خدا نثار کنند. این در رابطه با مسأله‌ی عاشورا که اشاره کرده بودیم. در مسائل کلی عرفانی هم اشاره کرده‌ایم که در عبادت، افق انسان اهل معرفت، بلندتر از حاجت‌طلبی است. او هیچ‌چیز نمی‌خواهد. فقط در این مقام است که آنچه شرط بندگی است، به شایستگی به‌جا آورده باشد؛ بنده‌ی مؤدّبی در پیشگاه خدا باشد و وظایف بندگی خود را به شایستگی به‌جا بیاورد. در پی این نیست که از رهگذر طاعت و عبادت چیزی

بخواید؛ مزدی بگیرد؛ اجری بطلبد و امثال اینها؛ لذا باید این روحیه بر انسان اهل سلوک حاکم باشد.

این عزیز ما توجه داده‌اند که در دعاهایی که شما به بعضی از آنها به منزله‌ی دعاهای تعقیبات نماز اشاره کردید، چنین خواسته‌هایی وجود داشت. این تذکر که ایشان به من دادند، مرا متوجه کرد که این عزیز، بحث‌های ما را راجع به دعا مطالعه نکرده و نشنیده‌اند؛ لذا به خاطر اینکه سؤالی که در ذهن این عزیز به وجود آمده است، ممکن است در ذهن دوستان دیگر هم باشد، تأکید می‌کنم عزیزان حتماً به آنها مراجعه کنند. در کتاب "طیب عشق" که جدیدترین کتابی است که در دسترس شما قرار گرفت، به طور مشروح راجع به بحث دعا صحبت شده است؛ مراجعه کنید.<sup>۱۴</sup> صفحات صد و بیست و چهار تا صد و بیست و هشت این کتاب دقیقاً جواب این سؤال در حوزه‌ی بحث دعا است؛ که اولیای خدا و انسان‌های اهل معرفت بعضاً در دعاهایی که می‌کنند، خواسته‌های مشخص مادی و دنیوی؛ خواسته‌های عمومی دنیوی و یا خواسته‌های اخروی نیز وجود دارد و گفتیم انسان اهل معنا و اصل به مقام توحید، هیچ چیز نمی‌خواهد. به قول شاعر:

ما ز دوست غیر از دوست حاجتی نمی‌خواهیم

حور و جنت ای زاهد بر تو باد ارزانی

هیچ چیز نمی‌خواهد.

تمنا کنند از خدا جز خدا

خلاف طریقت بود که اولیاء

---

<sup>۱۴</sup>. مهدی طیب، طیب عشق، ص ۱۱۳-۱۳۸.

آنجا پاسخ این سؤال را مشروح و به زبان‌های مختلف داده‌ایم؛ عزیزان حتماً مراجعه کنند. در کتاب "طیب عشق" و همین‌طور در مبحث دعا و توسل کتاب "ره‌توشه‌ی دیدار" به این سؤال پاسخ گفته‌ایم. امیدوارم عزیزان مراجعه کنند.<sup>۱۵</sup>

### یک تذکر

همین‌جا این سؤال را بهانه و تأکید می‌کنم: عزیزان من! بحث‌هایی را که برای شما حیاتی می‌دانستیم، به شکل کتاب درآورده‌ام و در دست‌رستان قرار داده‌ام. خیلی حیفاً است که این مطالب به صورت مکتوب، در دسترس شما باشد و شما فرصتی را برای مطالعه‌ی عمیق و دقیق آنها اختصاص ندهید. چون بحث‌هایی را که در جلسه می‌گویم با این فرض است که شما از بحث‌های قبلی که نوشته‌ام؛ یا خدمتان عرض کرده‌ام، آگاهید. از دوستان جدیدالورودمان هم خواهش کردیم که حتماً به بحث‌های گذشته، چه فایل‌های صوتی آنها و چه نوشته‌هایی که به صورت کتاب در اختیار است، مراجعه کنند و با علاقه و دقت از آنها استفاده کنند؛ تا بحث‌های جدیدمان که با توجه به گفته‌های قبلی خدمت دوستان عرض می‌شود، سبب ایجاد سؤال یا تردید نشود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۱۵</sup>. مهدی‌طیب، طیب‌عشق، ص ۱۲۴ - ۱۲۸ و ره‌توشه‌ی دیدار، ص ۲۲۷ - ۲۹۰. آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء، سخنان‌استاد،

مباحث عرفانی، دعا (۴گفتار) و بازخوانی و شرح مختصر بر کتاب مصباح‌الهدی (۱)، ترک سؤال (دعاورضا).